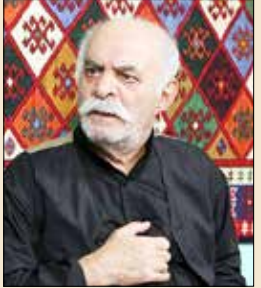


هنرمندان از تجربه همکاری با سیروس گرجستانی گفتند



در برنامه زنده رادیویی «گیومه» رادیو نمایش، هنرمندان سینما، تلویزیون و تئاتر کشور از خاطراتشان با زنده یاد سیروس گرجستانی گفتند.

در ادامه خاطرات مجید مظفری، امیر غفارمنش، پیام دهکردی و ستاره اسکندری از زنده یاد سیروس گرجستانی آمده است.

مجید مظفری

مجید مظفری درباره زنده یاد گرجستانی گفت: زنده یاد گرجستانی یکی از انسان‌هایی بود که بسیار تلاش کرد و زحمت بسیاری کشید. منزل وی در گوهردشت بود اما او همیشه سر ساعت در تمرین‌های تئاتر حاضر می‌شد.

وی افزود: گرجستانی از هنرمندانی بود که از دوران کودکی سختی را به جان خرید و زحمت بسیار کشید و بالاخره موفق شد. صبر او زبانزد بود. با صوری با همه اتفاقات روبرو می‌شد و یکی از بی‌حاشیه‌ترین افراد تئاتر و سینما و تلویزیون بود. گرجستانی همیشه انرژی مثبتی داشت و سعی می‌کرد این انرژی را به همه منتقل کند. در یک کلام باید گفت سیروس گرجستانی حیف شد و من بسیار متأسف هستم که او در کنار ما نیست.

امیر غفارمنش

امیر غفارمنش نیز یادآور شد: من تقریباً در سه سریال در کنار سیروس گرجستانی بودم. سادگی او در ذهن همه می‌ماند چون شخصی بود که در رفتار روزمره اش پیچیدگی نداشت. این هنرمند به گوشه‌های مختلف اشراف داشت و در خلق شخصیت بسیار توانا بود؛ اقتدر متبحر و تکنیکال بود که واقعا بیننده را مسحور می‌کرد. زنده به انسان‌هایی مانند سیروس گرجستانی واقعاً احتیاج دارد، ای کاش در زمان حیات وی بزرگداشتش گرفته می‌شد تا مجبور نباشیم در زمان فوت او درباره اش صحبت کنیم.

پیام دهکردی

پیام دهکردی عنوان کرد: حجم خاطرات بنده با زنده‌داد گرجستانی کم نیست و من وقات زیادی را با او گذرانده‌ام. گرجستانی جز مددو بازیگرانی بود که سخت‌کوشی یک ویژگی بدیهی برایش بود. نقش استاد شهریار یک نقش سخت بود و خوب خاطرم است که بسیار برای آن نقش زحمت کشید و تمرینات بسیاری انجام داد و بسیار خستگی ناپذیر بودند.

وی افزود: از همین جا به خانواده و همکارانم تسلیت می‌گویم. گرجستانی جزو مردمان خاطره ساز بود و علت اینکه این خاطرات خوب را از او داریم به این دلیل است که از جهان پیرامونش کشف و Shepard داشت. گرجستانی همواره کار کرد و هر کاری به دنبال دستیابی به یک چیز جدید بود. آقای گرجستانی جز مددو هنرمندانی بود که تمام طیف‌های همکاری را داشت و از بازیگران نسلی بود که بزرگان زیادی در آن نسل وجود داشتند، آن نسل شاید نسلی طلایی بود که هر کدام‌شان زیبایی و شکوه خود را داشتند.

ستاره اسکندری

ستاره اسکندری نیز درباره تجربه همکاری با زنده یاد گرجستانی گفت: من تجربه ۲ همکاری با زنده یاد گرجستانی را داشتم او انسانی بی‌درغ بود که همیشه به جوانان درس می‌داد و در کنارشان بود. گرجستانی اهل گفتگوی رسانه‌ای نبود و آنقدر که استحقاقش را داشت در رسانه‌ها به او پرداخته نمی‌شد چون عادت به مطرح کردن خود نداشت. واقعیت این است که شاکله سینما و تئاتر و تلویزیون ما امثال سیروس گرجستانی هستند.

«از تمام دستگاه‌های تبلیغاتی، امروز نقش رادیو و تلویزیون از همه دستگاه‌ها بالاتر است. اگر اصلاح بشود، یک کشور را می‌تواند اصلاح کند و اگر سُخدای نخواستِه- انحراف در آن باشد، یک کشور را می‌تواند منحرف کند» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۱۸)
همین یک جمله کافی است تا بر اهمیت خردجویی کاری مسئولان سازمان صداوسیما تأکید کنیم. جمله‌ای که در عین حال می‌توان آن را متر و معیاری برای سنجش میزان تأثیرگذاری این سازمان کلان فرهنگی بر وضعیت امروز جامعه ایرانی دانست.

اما چه شد که سازمان «صداوسیما» به وضعیت امروز رسید. بحرانی که امروز در رابطه مخاطب با رسانه ملی شاهدش هستیم، ریشه در چه پس‌زمینه‌هایی دارد و چگونه می‌توان برای رفع نواقص و تحقق آنچه بنیانگذار انقلاب اسلامی آن را ترسیم کرده بود، قدم برداشت؟ عماد افروغ جامعه شناس و استاد دانشگاهی است که به صراحت کلام شهره است، تأکید ویژه‌ای بر لزوم شکل‌گیری گفتگوهای انتقادی دارد، بسیاری از اهمیت گهر فراموش‌شده‌ای به‌نام «اخلاق» می‌گوید و فراتر از مباحث تئوریک و دانشگاهی صرف، همواره نیم‌نگاهی هم به تولیدات فرهنگی و نسبت آن‌ها با جامعه و تحولات روز داشته و دارد؛ از فیلم و سینما گرفته تا کتاب و مطبوعات.

افروغ در این گفتگوی مشروح از منظر جامعه‌شناسی به آسیب‌شناسی خروجی برنامه‌ها و عملکرد مدیران سازمان صداوسیما به‌عنوان یکی از مهمترین رسانه‌های امروز ایران و تأثیر آن بر وضعیت جامعه امروز پرداخته است.

متن گفتگوی با عماد افروغ را در زیر می‌خوانید:

این روزها انتقادات زیادی به عملکرد صداوسیما و خروجی برنامه‌های آن مطرح می‌شود و البته کمتر سریال، تاکشو یا برنامه گفتگومحور شاخص و راضی‌کننده‌ای هم وجود دارد که روی عنوان آسایش و زندگی مردم تأثیر بگذارد و یا به‌عنوان راهکاری برای ارتقا سبک زندگی بتوان به آن‌ها اشاره کرد. منظر جامعه‌شناسی فکر می‌کنید مشکل عمده‌ای که صداوسیما اکنون با آن مواجه است، چیست؟ و چقدر ممکن است «افراد» مانع عملکرد درست «سازمان» باشند؟

این سوال نیازمند بحثی مبنایی است، اینگونه نیست که تقفنی سوالی پرسیده‌باشید و بخوایم به آن پاسخ دهیم. من هم سال‌هاست که به پاسخ چنین سوالی می‌اندیشم. من نمی‌دانم آیا صداوسیما حسب یک نظریه عمل می‌کند یا خیر و اگر حسب یک نظریه حرکت می‌کند آنچه نظریه‌ای است؟ آیا این نظریه منسجم است یا خیر؟ و در صورت انسجام با آن عمل می‌شود یا خیر؟ آیا دیالکتیکی بین این نظریه و یا واقعیت‌های انضمامی و روزمره وجود دارد یا خیر؟

من فکر می‌کنم حداقل نوعی عدم انسجام تئوریک در خروجی برنامه‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شود نمایان است، نوعی ناهمخوانی، تناقض و تعارض وجود دارد که حتی در برخی موارد بوی تظاهر و ریا از آن‌ها به مشام می‌رسد. من فکر می‌کنم حداقل نوعی عدم انسجام تئوریک در خروجی برنامه‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شود نمایان است، نوعی ناهمخوانی، تناقض و تعارض وجود دارد که حتی در برخی موارد بوی تظاهر و ریا از آن‌ها به مشام می‌رسد. متأسفانه جمهوری اسلامی میدان مناسبی برای تاخت و تاز ریاکاران شده است و یکی از عرصه‌های قلمروهای تاخت و تاز این افراد، سیاست، چون رادیو را کمتر می‌شنوم.

اگر واقعیت‌های جامعه تلخ هستند که

یادداشت

پساکرونا؛ واقعیت‌های حاد بودرباری در گذار از مر حله تراژیک مواجهه

ژان بودربار (Jean Baudrillard) جا معه شناس، فیلسوف، و نظریه‌پرداز پسا مدرنیت، معتقد بود جوامع پسا مدرن از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی اشباع شده و به عصر پادرمیاسازی (شیه‌سازی) وارد شده‌اند. به نظر بودربار، فرهنگ‌های مصرف گرا اساساً مرزبندی‌های معمول بین هنر والا و هنر نازل، امور عمیق و امور سطحی را مخدوش ساخته‌اند و در این جوامع، روابط واقعی تولید و مصرف، جای خود را به یک نظام ارزشیاب واقعی داده است. به باور او در دوران مدرن، هنر، واقعیت را بازنمایی می‌کرد، اما در دوران پست مدرن، این رابطه به‌هم ریخته و مرز واقعیت و بازنمایی (Representation) از بین رفته، و گاهی رابطه آن دو برعکس شده و واقعیت، تقلیدی از بازنمایی گشته است؛ بازنمایی‌ها به جای بازنمایی از واقعیت، از همدیگر تقلید می‌کنند و به یکدیگر ارجاع می‌دهند.

بودربار این شبکه بافته شده از بازنمایی‌های رسانه‌ها را ابرواقعیت یا واقعیت حد (Hyper Reality) می‌نامید که در نشانه‌شناسی و فلسفه پست مدرن، حکایت از عدم توانایی

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور صاحب امتیاز و مدیرمسول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جعازاده‌شمالی پلاک ۳۶۰ واحد ۵

نسبت صداوسیما با واقعیت‌ها تلخ امروز چیست؟

نفوذ با ظاهر انقلابی!



همینطور هم هست و می‌توان ردّ پای آن را در وضعیت عدالت، اخلاق و... مشاهده کرد، اینها بی ارتباط با ایده‌های پشت این واقعیات نیست. صداوسیما هم در این میان ادعا دارد که دانشگاه است و ادعای ایده‌پردازی دارد. ادعا هم دارد که بیشترین رجوع مردم به صداوسیماست پس این چه ایده‌پردازی‌ای بوده است که واقعیت‌ها را به این شکل رقم زده است؟ **• یعنی شما صداوسیما را نسبت به آنچه در واقعیت امروز جامعه وجود دارد، مسئول می‌دانید؟** ممکن است متولیان صداوسیما بگویند ما کار خود را کرده‌ایم اما مردم راه خودشان را رفته‌اند در حالی که این‌طور نیست. اگر مردم راه خود را به غلط رفته‌اند و اگر ایده‌های غلطی داشته‌اند که باعث شده چنین راهی بروند، باز هم باید پرسید صداوسیما در این ایده‌های غلط نقش نداشته است؟ و اصلاً در اصلاح این ایده‌ها چه نقشی داشته است؟

این بحث بسیار اساسی است و عالمان علوم انسانی اعم از روحانی، روشنفکر، روان‌شناس، جامعه شناس و اقتصاددان و هر کسی که با ایده و تئوری سر و کار دارد نمی‌تواند بگوید مرا با واقعیت‌ها کاری نیست و از آن‌ها چشم‌پوشی کند. من شخصاً معتقدم صداوسیما حسب جایگاهی که برایش تعریف شده است افراد طبق خود را به خوبی ایفا نکرده است. بالاخره عده‌ای امروز اندیشه غلطی را ترویج می‌کنند که باعث به‌وجود آمدن واقعیت‌های تلخی شده است. صداوسیما تا چه حدی با این ایده‌ها و اندیشه‌های غلط درآفتاده است؟

• به تعارض و تظاهر در تفکر حاکم بر صداوسیما با خروجی برنامه‌ها و آثارش اشاره کردید و همچنین به اینکه واقعیت جامعه چیز دیگری است و صداوسیما ایده‌های دیگری را نمایش می‌دهد. می‌توانید در این زمینه مثال هم بزنید؟ چون تلویزیون ادعا دارد که به طور مثال تا به امروز در مسیر اخلاق و برنامه‌سازی انقلابی و فرهنگی حرکت کرده است و همچنان می‌کند.

اینکه این‌ها بعضاً کارهایی انجام می‌دهند تردیدی نیست. در این نکته که این کارها هم برای مخاطب انجام می‌شود نمی‌توان شک کرد. بحث این است که آیا صداوسیما متناسب با گفتمان انقلاب اسلامی و نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم برنامه‌سازی می‌کند؟ این بحث ماست. به هر حال وقتی جامعه از مشکلات اجتماعی رنج می‌برد، اخلاقیات آموزش داده شده در تلویزیون هم (بدون انکار دلالت‌های اجتماعی اخلاقیات فردی)، باید اجتماعی باشد نه فردی. سال‌هاست آموزش‌های مذهبی اخلاقی هم در تلویزیون رویکرد فردی دارد.

مساله بنده این است که افراد چرا این قدر قدرت مانور دارند؟ به طور مثال شوراها، اندیشه‌ورزی در شبکه‌ها تشکیل می‌شود که افراد طبق سیاست‌ها و مصوبات و تصمیمات این شوراها حرکت کنند و اینقدر قدرت مانور نداشته باشند، اما اینها همه اموری فرمالیستی

پست الکترونیک: info@emtiazdaily.ir

تلفن: ۶۶۹۱۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹

لینوگرافی و چاپ: ریخان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور صاحب امتیاز و مدیرمسول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جعازاده‌شمالی پلاک ۳۶۰ واحد ۵

نسبت صداوسیما با واقعیت‌ها تلخ امروز چیست؟

• ورود چنین افرادی به صداوسیما راحت است؟

تا حدی آسان است چون این مدل در سازمان‌هایی که قرار است اصول و ارزش‌ها را با مانورهای شخصی و بعضاً بلندپروازانه مدیران، جا بیندازند جواب می‌دهد. طرف ابتدا ظاهر انقلابی و بدون توجه به لایه‌های حکیمانه و زیرین انقلاب و همسو با سلايق مدیران، به خود می‌گيرد و به‌تدریج نفوذ کرده و طرح خود را پیاده می‌سازد. در واقع، از سطحی‌نگری و در شرایطی از بلندپروازی برخی مدیران سوءاستفاده و به تدریج جای پای خود را محکم می‌کند و بعد برنامه‌هایی را تولید و بدون توجه به هشدارهای اولیه برخی افراد پخش می‌کند. پس از آشکار شدن منویات پنهانی این دسته از افراد و اعتراضات دیگران، مجبور به قطع برنامه می‌شوند. اگر بر صدا و سیما منفر متفکر و استراتژیست و به روز و در چارچوب آرمان‌ها و انقلاب اسلامی و به طور خاص شعارهای آزادی، عدالت و اخلاق و منویات حاکم بود، شاهد این گونه برنامه‌ها و منورهای شخصی نمی‌بودیم. یک عده متظاهر و عده‌ای متصب، جاهل و خشک مغز هستند. افراد متظاهر از دسته دوم بدتر هستند، چون به دلیل پنهان کردن آر ا واقعی خود نمی‌توانید با آن‌ها وارد بحث شوید. با حضور این افراد اگر به صداوسیما رسوخ کنند که تا حدی در برخی پروژه‌ها ورود کرده‌اند نمی‌توان مشکل را حل کرد.

• چرا باید کلیشه‌ای از شعارهای انقلابی در بسیاری از سازمان‌ها از جمله صداوسیما به گونه‌ای ترویج پیدا کند که افراد با سوءاستفاده از کلیدواژه‌های آن به راحتی خود را پرزنت کرده و خودی نشان دهند.

لب کلام همین است که هرکسی دو آتش تر خود را نمایش می‌دهد به او تریبون داده می‌شود. هرکسی که متواضع‌تر است و انقلاب را ریاکارانه و بر پایه منافع شخصی خود تفسیر نمی‌کند و از منظر شور و هیجان صرف نگاه نمی‌کند، تریبونی هم ندارد. البته باز این به این معنا نیست که طرف شور نداشته باشد خیر منظور این است که «شورنامی» و «شور عاری از حکمت» نداشته باشد. شور، تجلی حکمت است اما شور و هیجانی همه هست که پشتش هیچ نیست و ما به چنین افرادی میدان می‌دهیم و اساساً دنبال این نیستیم که متوجه شویم اینها که میدان دار هستند در پشت صحنه چه می‌کنند و چه می‌گویند و یا چه قرائتی از دین و انقلاب دارند.

به رغم گوناگون انقلاب برای ما ارزشمند است اما توجیهی برای ریا و حفظ ظاهر نمی‌شود. ما باید کسی را وارد کار کنیم که اولاً آگاه به لایه‌مندی پدیده انقلاب باشد، ثانیاً به گفته‌اش باور داشته باشد. وقتی دم از انقلاب و مردم و دین می‌زند به آن‌ها باور و عمل متناظر داشته باشد. مردم متوجه ایفای نقش متظاهران می‌شوند. برای مثال، طرف با پراید به مجلس شورای اسلامی می‌آمد اما در خیابانی او را با بنز آخرین مدل دیدند. بالاخره که آشکار می‌شود، پس اگر با همان بنز و البته مشروع خود بیاید بهتر نیست؟

در اینجا فضایی را برای پرسشی کلیدی باز می‌کنم، کدام بهتر است نفاق یا صداقت؟ و یا شاید نفاق و صداقت گره خورده با حرص؟ پاسخ بنده این است که به هر حال، ساده زیستی و به تعبیر حضرت امیر (ع) قناعت، گره خورده با کسب روزی حلال و نیازی‌و حد کفاف و پرهیز از دنیا برای دنیا و دنیا را برای آخرت خواستن، در مرتبه اول ارزش قرار دارد. اما اگر قرار بر انتخاب بین نفاق و ریا و صداقت و صراحت حریصانه در استفاده از مواهب دنیوی باشد کدام قبیح تر است؟

• چه سیاستی را اعمال می‌کنند؟ سیاست‌هایی مغایر با روح و مضامین سیاست‌های کلان و متناسب با رشد آگاهی و اندیشگی و مسئولیت‌های اخلاقی فردی و اجتماعی، از قبیل آزادمنشی و صداقت، اعتماد و همبستگی و نوع‌دوستی، به ویژه در شرایط عادی و غیر بحرانی جامعه، که حساب شرایط بحرانی جداست.

عامل نفوذی، از سطحی‌نگری و در شرایطی از بلندپروازی برخی مدیران سوءاستفاده و به تدریج جای پای خود را محکم می‌کند و بعد برنامه‌هایی را تولید و بدون توجه به هشدارهای اولیه برخی افراد پخش می‌کند. پس از آشکار شدن منویات پنهانی این دسته از افراد و اعتراضات دیگران، مجبور به قطع برنامه می‌شوند

که ناسا، به دروغ ادعا کرده بود که فضاوردان به مریخ رفته بودند؛ آنها در واقع به یک استودیو تلویزیونی برده شدند تا به مردم دنیا بگویند که ما به مریخ رفتیم؛ که این خود تعریضی است بر تشکیک‌هایی که به اصل فیلم فرود آمدن انسان بر روی ماه در ماموریت آپولو ۱۱ در ده سال پیش از ساخته‌شدن این فیلم، وارد بود.

ابرواقعیت‌های ساختگی که به جای واقعیت توسط شبکه بر ذهن مخاطب تحمیل می‌شود، همان سلطه نامحسوس و بدون داغ و درشتی است که در فیلم شبکه (سیدنی لومت) شاهد آن بودیم. مخاطبی که سمخ شده در یک شهرستان، به عنوان واقعیت نشان می‌دهند، می‌پذیرد. با این مقدمه، به ارتباطات در دوران پساکرونا می‌پردازم. البته این که سلطه این ویروس بر ارکان قدرت بشری کی پایان خواهد پذیرفت و آیا با اتمام آن، زمان حکومت هومان دیگری شروع نخواهد شد، مشخص نیست. به‌نظر می‌رسد پساکرونا از زمانی شروع می‌شود که جوامع مختلف از مرحله تراژیک مواجهه با کرونا عبور کرده باشند، اگر چه ویروس همچنان یک‌ه‌تاز تأثیرگذاری برروی تصمیم‌های دولتمندان و صاحبان قدرت باشد، چرا که هر تراژدی به شرط ازمان و کهنه‌شدن، کم‌کم به ضد خود تبدیل می‌شوند و کمدی، گاه حاصل تراژدی مزمن است.

به نظر در جهان پساکرونا با این تعریف که در بسیاری از جوامع هم اینک شروع شده است، ایر واقعیت یا واقعیت حد، دیگر در انحصار قدرت‌ها و دولت‌ها و شبکه‌ها نمی‌شود دروغ گفت!

یک فنبان جای داغ

لزوم تقاهم ارشادوتلویزیون برای نجات تئاتر

روحانی هنر را فراموش کرد

هادی مرزبان کارگردان سابقه تئاتر که پس از بالغ‌بر یک دهه پیگیری، سال گذشته موفق به اخذ مجوز و آغاز تولید نمایش «دکتر نون» برای اجرا در تالار وحدت شده بود، درباره سرانجام تولید این اثر نمایشی با توجه به شرایط کرونایی ایجاد شده و توقف تمرین‌ها، به خبرنگار مهر گفت: حدود ۱۲ سال است به دنبال اجرای «دکتر نون» هستم. حتی زمانی با زنده‌یاد جمشید مشایخی نمایش را تمرین می‌کردیم. ولی در آن زمان به دلیل شرایط مالی و وضعیت اجتماعی، تولید نمایش اتفاق نیفتاد. خوشبختانه سال گذشته بعد از ۱۲ سال امکانات اجرا مهیا شد و با بازیگران بسیار خوبی از جمله آقای رضا کیانیان تمرین‌های «دکتر نون» را شروع و ۳ ماه ادامه دادیم.

وی ادامه داد: قرار بود «دکتر نون» را اسفند ۹۸ در تالار وحدت روی صحنه ببریم که این بار ویروس کرونا به عنوان بلایی ناگهانی در جهان همه امور را به هم ریخت و در ایران نیز به همه صنف به ویژه صنف هنری لطمه بسیاری زد. این شرایط باعث شد تا ما هم نتوانیم تولید «دکتر نون» را ادامه دهیم.

هیچ وقت در زندگی ما یوس نبوده‌ام

مرزبان با بیان اینکه وقتی کاری را شروع می‌کنم حتماً باید آن را به پایان برسانم، اظهار کرد: «دکتر نون» قطعاً در اولین فرصتی که پیش بیاید روی صحنه خواهیم برد. من هیچ‌وقت فرد مأموسی در زندگی نبوده و همیشه امیدوار هستم زیرا انسان بدون امید باید بمیرد. روزی این ایر تیره از زندگی انسان‌ها عبور می‌کند.

این کارگردان تئاتر با اشاره به اینکه نمایشنامه دیگری را هم برای تولید و اجرا بعد از به اجرا رسیدن «دکتر نون» مدنظر دارد، یادآور شد، من با امید به آینده نگاه می‌کنم اما ما هنرمندان ۵۰ درصد ماجرا هستیم و ۵۰ درصد دیگر مدیران، مسئولان و تصمیم‌گیرندگانی هستند که باید با هنرمندان همراهی و از آن‌ها حمایت کنند.

کارگردان نمایش «شب روی سنگفرش خیس» درباره چشم‌انداز خود برای تئاتر در سال ۹۹ با توجه شرایط اقتصادی ایجاد شده و کم‌توجهی مدیران و مسئولان تصمیم‌گیرنده به هنر تئاتر، تأکید کرد: نمی‌دانم چرا با وجود اینکه تئاتر هنر مادر و پیشرو است، در همه امور مغفول واقع می‌شود و در زمانی که بودجه‌های هنری تعیین می‌شود، تصمیم‌گیرندگان ناچیزترین بودجه را برای تئاتر در نظر می‌گیرند. نمی‌دانم چرا مسئولان کم توجهی به تئاتر می‌کنند.

مرزبان یادآور شد: زمانی که آقای حسن روحانی کاندیدای ریاست جمهوری شده بود، من و بسیاری از هنرمندان برای رئیس جمهور شدن ایشان سینه چاک دادیم زیرا تصور می‌کردیم برای هنر و به ویژه تئاتر اتفاقات خوبی رخ می‌دهد، ولی حالا بعد از گذشت ۷ سال می‌بینیم آقای روحانی از همه صنف اسم می‌برد و نامی از تئاتر به زبان نمی‌آورد. به چه دلیل تئاتر باید اینقدر مغفلوم واقع شود.

بازیگر شناخته‌شده‌ای که پول کرایه تاکسی ندارد!

وی افزود: همیشه خوب به تئاتر نگاه نشده و تئاتری‌ها همیشه مغفلوم بوده‌اند. جرم تئاتری‌ها عشقشان است و به همین دلیل بدون حمایت مالی مناسب و در هر شرایطی فعالیت کرده‌اند. تئاتری‌ها به سیلی صورت خود را سرخ نگه می‌دارند. بازیگری دارم که همه او را می‌شناسند، روزی به من گفت حتی بهای کرایه تاکسی را ندارد.

این هنرمند سابقه تئاتر متذکر شد: چرا مدیران و مسئولان حتی به تئاتری‌ها دل‌خوشی هم نمی‌دهند تا نشان دهند که متوجه شرایط سخت هنرمندان تئاتر هستند. بچه‌های تئاتر با دست خالی تئاتر را ساخته‌اند ولی چرا هیچ‌کدام از مسئولان به فکر تئاتر نیستند! بخش اصلی فرهنگ جامعه ما به دوش تئاتری‌ها است، چرا آقای روحانی حتی نامی از تئاتر به زبان نمی‌آورد؟

مرزبان معتقد است تئاتری‌ها آنقدر در کار خود استوار هستند که کارشان را انجام می‌دهند و اظهار امیدواری می‌کنند تصمیم‌گیرندگان نیز برای این بزرگواری تئاتری‌ها ارزش قائل شوند.

وی در ادامه سخنان خود در پاسخ به این پرسش که آیا در نبود حمایت مناسب دولتی از تئاتر و با توجه به شرایط اقتصادی جامعه، بالا رفتن بهای بلیت اجراها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود یا نه و چه تأثیراتی را به همراه خواهد داشت؟ توضیح داد: ما از خواست‌گذاران فرهنگ و هنر به ویژه تئاتر این است که در چنین شرایطی برای بهبود شرایط تئاتر فکر کنند. وظیفه سیاست‌گذاران در شرایط بحرانی و خاص یافتن راهکار برای بهبود شرایط است. سالن‌های تئاتر باز شده ولی به دلیل ترس از کرونا با افت مخاطب مواجه شده‌ایم.

لته‌تاتر: نه راه برون‌رفت از شرایط بحرانی

کارگردان «لیخند با شکوه آقای گیل» با تأکید بر اینکه اگر شرایط اینگونه ادامه پیدا کند تئاتر ایران فراموش خواهد شد و نسل‌های آینده تنها در کتاب‌ها نام تئاتر ایران را خواهند شنید، اظهار کرد: برای بهبود شرایط اقتصادی و کاری هنرمندان تئاتر پیشنهادی را به آقای قادر آشنا مدیرکل هنرهای نمایشی دادم. به نظر من بهترین راه برای رونق دادن از این شرایط این است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما با هم به تقاهم برسند و همکاری کنند تا هنرمندان به تولید تله تئاتر بپردازند تا پخش شوند.

مرزبان ادامه داد: امیدوارم تلویزیون عناد خود با تئاتر را فراموش کند. سال‌ها است که تلویزیون تئاتر را رها کرده است. نمی‌دانم چرا مدیران سازمان صدا و سیما به این باور نمی‌رسند که تئاتر می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی و مضلات جوانان را حل کند.

این کارگردان تئاتر یادآور شد: اگر این تعامل و همکاری صورت گیرد، به طور مرتب می‌توانیم تئاتر آینده باشیم. بیشترین آشنایی مردم با تئاتر به دلیل تله‌تئاترهایی است که آقایانی چون علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، جعفر والی و عزت‌الله انتظامی در تلویزیون تولید و اجرا می‌کردند. در شرایط فعلی نیز می‌توان هفته‌ای ۲ تله تئاتر از تلویزیون پخش کرد تا ضمن اینکه هنرمندان تئاتر فعال می‌شوند، خانواده‌ها همچون گذشته امکان تماشای تله تئاتر از تلویزیون را داشته باشند. در شرایط کرونایی تولید و پخش تله تئاتر یکی از بهترین اقداماتی است که می‌تواند از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما حمایت شود.

اجرای «است» برای ما سرگرمی نیست

استقبال مخاطب زیر سایه کرونا

پرنیا شمس کارگردان نمایش «است» که روزهای پایانی اجرای خود را در تئاتر مستقل تهران سیری می‌کند درباره استقبال که از این نمایش با وجود بحران کرونا شده است، به خبرنگار مهر گفت: روزهای آغازین اجرا استقبال از این نمایش بهتر بود و تقریباً ظرفیت ۵۰ درصدی که از سالن در اختیار داشتیم بر می‌شد اما از زمانی که وضعیت هشدار اعلام شده و طبق آمار تعداد مبتلایان و فوت‌شدگان افزایش یافت، استقبال از کار کمتر شده است.

وی درباره تغییراتی که نمایش نسبت به اجرای سال گذشته داشته است، توضیح داد: این اثر نمایشی پیش از این در تالار مولوی به صحنه رفته بود و ۹ اجرا هم قبل از عید و تعطیلی تماشاخانه‌ها در تئاتر مستقل داشت اما در اجرای مجدد تغییری در دیالوگ‌ها و یا ساختار نمایش ایجاد نشده است اما حس و حال بازیگران تغییر کرده و بیشتر با یکدیگر هماهنگ هستند از همین رو نمایش با انرژی بیشتری به صحنه می‌رود.

شمس با اشاره به پیش قدم شدن برای اجرای مجدد نمایش گفت: به ما برای اجرای نمایش «است» بعد از بازگشایی سالن‌های تئاتری پیشنهاد دادند که ما هم پذیرفتیم چون تئاتر برای من به منزله سرگرمی نیست و به‌عنوان یک حرفه به آن نگاه می‌کنم. البته ابتدا با بازیگران نمایش هماهنگ کردم که برخلاف تصور همگی از اجرای دوباره کار استقبال و با اشتیاق تمرین‌ها را شروع کردند. در حال حاضر مردم در قرنطینه کامل نیستند و مشاغل دیگر هم فعالیت خود را آغاز کرده‌اند از همین رو با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی تئاتر هم می‌تواند فعالیت خود را ادامه دهد.

وی در پایان درباره دیگر فعالیت‌های توحیه داد: از سال گذشته تمرین‌های نمایشی تازه‌ای را با عنوان «Homes» آغاز کرده‌ایم که من نویسنده و دراماتورژ کار هستم و شهاب رحمانی کارگردانی آن را برعهده دارد. این نمایش درباره خانواده‌ای است که یکی از اعضای آن قصد مهاجرت دارد. ابتدا قصد داشتیم نمایش را برای حضور در جشنواره تئاتر دانشگاهی ارائه دهیم اما به معلق شدن همه چیز فعلاً تکلیف مشخص نیست و قرار بر این است که تمرین‌ها را ادامه دهیم و اگر نشد که در جشنواره تئاتر دانشگاهی حضور داشته باشیم کار را برای اجرای عمومی آماده کنیم.